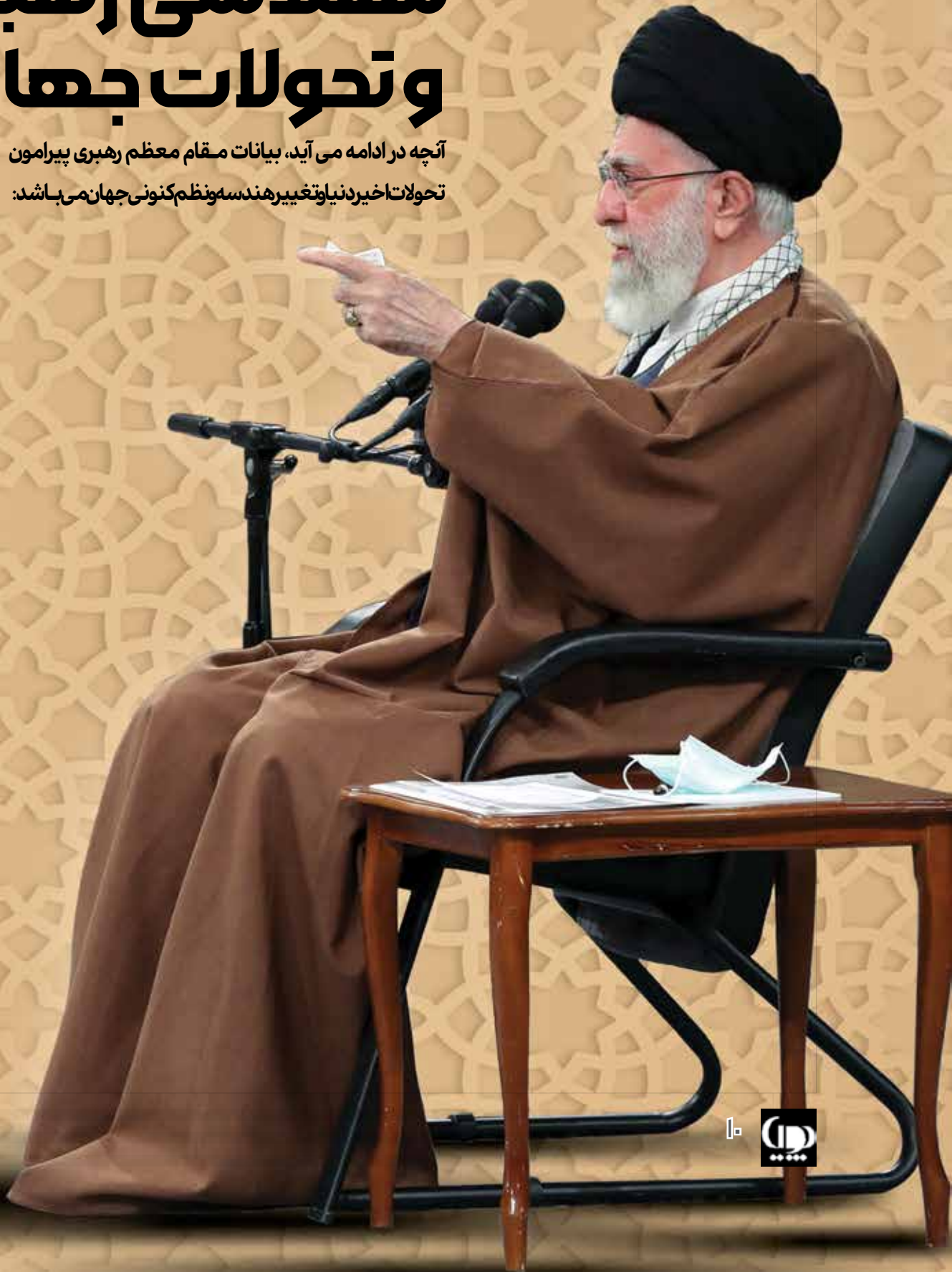


مهندسی رهبری و تحولات جهانی

آنچه در ادامه می آید، بیانات مقام معظم رهبری پیرامون
تحولات اخیر دنیا و تغییر هندسه و نظم کنونی جهان می باشد:



بیانات در دیدار مردم «سیستان و بلوچستان» و «خراسان جنوبی» ۱۴۰۲/۶/۲۰

یک مطلب کلی‌ای وجود دارد که این مربوط به همه است؛ و از خود این حقیر تا اتحاد ملت ایران و تا اتحاد مسئولین باید به این توجه داشته باشند؛ آن چیست؟ آن نکته که من مایلیم بخصوص جوان‌ها خیلی به آن توجه کنند این است: وقتی در دنیا تحولات بزرگ به وجود می‌آید یا آغاز می‌شود، ملت‌ها و مسئولین کشورها موظفند مراقبت خودشان را چند برابر کنند. حالا بیشتر شرح خواهم داد. اگر این مراقبت انجام گرفت، سر ملت‌ها کلاه نخواهد رفت و ملت‌ها ناچار نخواهند شد که به راهی ضد منافع خودشان حرکت کنند. اگر این مراقبت انجام نگرفت و غفلت شد، ضربه‌های بلندمدتی به ملت‌ها وارد خواهد شد. مثال بزنم:

یک مثال مربوط به دوران اوج استعمار است، مثلاً فرض کنید در قرن هجدهم، که استعمار انگلیس آمد در این منطقه‌ی ما و کشورهای زیادی بخصوص در منطقه‌ی مرکزی آسیا و شرق آسیا تحت تسلط قرار گرفت؛ [چون] ملت‌ها خواب بودند، مسئولین بی‌توجه بودند. انگلیس‌ها آمدند تدریجاً منابع حیاتی ملت را در شبه‌قاره‌ی هند و در کشورهای آن طرف شرق و غرب هند در دست گرفتند. حالا هند که من می‌گویم، یک نمونه است و آلا در آفریقا هم همین بود، در آمریکای لاتین هم همین جور بود، در آمریکای شمالی هم بود. سررشته‌ی منافع این ملت‌ها را در دست گرفتند و اینها را استعمار کردند؛ اینها را ده‌ها سال یا بیشتر، شاید دویست سال عقب انداختند؛ این ملت‌ها با چه زحمتی توانستند خودشان را از استعمار نجات بدهند. انگلیس‌ها به عنوان یک نمونه گفته شد؛ فرانسه همین کار را کرد، پرتغال همین کار را کرد، بلژیک همین کار را کرد و کشورهای دیگر اروپایی کم و بیش این کارها را کردند. وقتی حرکت استعمار به دلایل خاص خود از اروپا آغاز شد، ملت‌ها باید بیدار می‌بودند، مسئولین کشورها باید هوشیار می‌بودند، حواسشان باید جمع می‌بود، [اما] نبود؛ نتیجه شد گرفتاری به استعمار دو سه قرن‌ی یک منطقه‌ی عظیمی از دنیا. این یک نمونه.

نمونه‌ی نزدیک‌ترش بعد از جنگ بین‌الملل اول است؛ عمدتاً بعد از جنگ جهانی اول و اندکی هم بعد از جنگ جهانی دوم در همین منطقه‌ی خود ما، یعنی منطقه‌ی غرب آسیا. همان جایی که اروپایی‌ها دوست دارند بگویند: خاورمیانه که این تعبیر غلط است، و باید بگوییم غرب آسیا. بلایی که سر این منطقه آوردند، اگر ملت‌های ما در این منطقه، در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا، بیدار بودند، نمی‌توانستند این بلا را سرشان بیاورند؛ انگلیس یک جور، فرانسه یک جور، ایتالیا [هم] یک جور. منطقه‌ی ما اقل صد سال از کاروان تمدن و کاروان پیشرفت عقب افتاد. پس ببینید! وقتی یک تحوّل در دنیا آغاز می‌شود، ملت‌ها باید هوشیار باشند که این تحوّل به ضرر آنها تمام نشود، مسئولین کشورها باید هوشیار باشند؛ البته مسئولین بدون پشتیبانی ملت‌ها کاری نمی‌توانند بکنند.

عرض من این است: من می‌گویم امروز یک تحوّل بزرگی در دنیا، یا دارد آغاز می‌شود یا آغاز شده است. امروز روزی است که ملت‌های منطقه نباید دچار غفلتی بشوند که در دوران استعمار یا بعد از جنگ اول جهانی شدند؛ باید ملت‌های منطقه بیدار باشند. من خواهش می‌کنم درست توجه کنید به مطلبی که من عرض می‌کنم؛ بخصوص جوان‌های عزیزمان. گفتیم دنیا در آستانه‌ی یک تحوّل است یا در آغاز یک تحوّل است. این تحوّل چیست؟ چه اتفاقی در دنیا دارد می‌افتد که ما از آن تعبیر می‌کنیم به «تحوّل»؟

خطوط اصلی‌اش چند چیز است: در درجه‌ی اول، ضعیف شدن قدرت‌های استکباری دنیا؛ این یکی از خطوط اصلی تحوّل است که دارد اتفاق می‌افتد. قدرت استکباری آمریکا ضعیف شده است و دارد ضعیف‌تر می‌شود. من حالا این را توضیح می‌دهم. همچنین بعضی کشورهای اروپایی؛ این یکی از خطوط اصلی این تحوّل است. یکی دیگر از خطوط اصلی این تحوّل، برآمدن قدرت‌های جدید منطقه‌ای و جهانی است؛ قدرت‌های جدیدی دارند به وجود می‌آیند که یا قدرت‌های منطقه‌ای‌اند یا قدرت‌های جهانی‌اند؛ خب [این] تحوّل است.

خب؛ گفتیم آمریکا در حال ضعیف شدن است، یا قدرت‌های غربی، قدرت‌های استکباری در حال ضعیف شدنند. این یک شعار نیست، این یک واقعیت است و حرفی است که خود آنها می‌زنند؛ خود آنها می‌گویند شاخص‌های اقتدار آمریکا در دنیا رو به تنزل است. مثل چه شاخص‌هایی؟ مثل اقتصاد؛ یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتدار آمریکا اقتصاد قوی آمریکا بود که می‌گویند رو به تنزل است. یکی مسئله‌ی امکان دخالت در دولت‌ها بود؛ آمریکا در دولت‌های گوناگون دخالت می‌کرد، امروز این حالت رو به افول است؛ اروپایی‌ها یک جور، دیگران یک جور. می‌شنوید دیگر؛ در مطبوعات و در خبرهای رادیوتلوویزیون و خبرهای دنیا می‌شنوید؛ اعتراف می‌کنند. یکی از شاخص‌های اقتدار در آمریکا توانایی تغییر دادن دولت‌ها و کشورها بود. توجه کنید! اینها مهم است. یک روز آمریکا یک مأموری را فرستاد ایران با یک ساک پول، دلار، اسم آن مأمور هم ثبت شده و همه می‌شناسند؛ کیم روزولت؛ اسمش کیم روزولت بود. اینها چیزهای پنهانی نیست؛ اینها یک چیزهایی است که آن روز پنهان بود، بعدها آشکار شده. یک مأمور را با یک کیف پول، با یک چمدان پول می‌فرستد ایران،

**اگر ما مراقب باشیم،
دشمن هیچ غلطی
نمیتواند انجام بدهد،
هیچ کاری نمیتواند بکند.
در این چهل و چند
سال، بارها و بارها همین
دشمنان امروز و دشمنانی
که قبلاً بودند و از بین
رفتند، مثل شوروی سابق
که اینها هم با ما بد بودند،
هر کار توانستند کردند
(اما) ملت ایران بیدار بود،
هشیار بود.**



یک کودتایی مثل کودتای بیست و هشتم مرداد را به وجود می‌آورد! با توطئه‌ی آمریکا و انگلیس، مشترکاً، و به دست یک مأمور آمریکایی که پول آورد اینجا و بین اراذل و اوباش و افراد گوناگون تقسیم کرد، کودتای بیست و هشتم مرداد را درست کردند، یک دولتی مثل دولت مصدق را سرنگون کردند. یک روز آمریکا این جوری بود؛ آیا امروز هم آمریکا این کار را می‌تواند بکند؟ ایداً! نه در مورد ایران، که در مورد هیچ کشور دیگری [هم] نمی‌تواند بکند. امروز آمریکا مجبور است برای ضربه زدن به دولت‌هایی که می‌خواهد به آنها ضربه بزند، «جنگ ترکیبی» ایجاد کند؛ که جنگ ترکیبی برای او بسیار هزینه‌زا است، آخرش هم به نتیجه نمی‌رسد. آیا با وجود پیشرفت فوق‌العاده‌ی ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی - که در اختیار آمریکا بیشتر از جاهای دیگر هم هست - شما در این ده سال اخیر سراغ دارید که آمریکا توانسته باشد با همین جنگ‌های ترکیبی، در یک کشوری یک دولتی را سرنگون کند، یک دولتی را به جایش بیاورد؟ ده سال در سوریه توطئه کردند، نتوانستند کاری بکنند؛ بیست سال در افغانستان جا خوش کردند، همه‌ی ابزارهای نظامی‌شان را آوردند، [ولی] دیدید با چه ذلتی از افغانستان خارج شدند. وقتی می‌گوییم آمریکا ضعیف شده، معنایش اینها است.

در مورد اروپا هم وضع بهتر از این نیست. شما خب این روزها مسائل آفریقا را می‌شنوید؛ کشورهایی که تحت نفوذ فرانسه بودند، یکی پس از دیگری دارند علیه فرانسه قیام می‌کنند و حکومت‌های دست‌نشانده‌ی فرانسه را ساقط می‌کنند، آن هم مردم! البته ارتشی‌هایشان مشغولند لکن مردم پشتیبان آنها هستند. یعنی قدرت‌های غربی، که در رأسشان آمریکا است و بعد هم اروپا، امروز آن قدرت سابق را ندارند، رو به ضعفند؛ این ضعف روزبه‌روز بیشتر می‌شود. خب قدرت‌های جدیدی هم دارند سر بلند می‌کنند، که من دیگر نمی‌خواهم اسم آن قدرت‌ها را بیاورم، وارد آن نمی‌خواهم بشوم. این تحوّل بزرگ جهانی است.

خب حالا این تحوّل دارد اتفاق می‌افتد. بنده گفتم، در هنگام وقوع تحولات بزرگ جهانی، ملت‌ها باید مراقب باشند، مسئولان کشورها باید مراقب باشند. این همان روزی است که ما در آن قرار داریم؛ باید مراقب باشیم. اینکه می‌گوییم دشمن دارد ضعیف می‌شود معنایش این نیست که نمی‌تواند مکر کند، نمی‌تواند دشمنی کند، نمی‌تواند ضربه بزند؛ می‌تواند؛ مشغول نقشه‌کشی‌اند. ما باید خوابمان نبرد، ما باید غافل نشویم. ما یعنی چه کسانی؟ یعنی مسئولین و آحاد مردم. عرض کردم، بدون پشتیبانی مردم، مسئولین هیچ کشوری نمی‌توانند کار بزرگی و مهمی انجام بدهند؛ مردم باید پشت سرشان باشند، مردم باید بیدار باشند. مسئولین [هم] باید غفلت نکنند، باید بیدار باشند. امیرالمؤمنین فرمود: مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمِ عَنْهُ؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمن هم در سنگر خودش خوابش برده؛ نه، ممکن است او بیدار باشد، ممکن است او متوجّه شما باشد، ممکن است او از خواب شما استفاده کند؛ این، آن مسئله‌ی اساسی است: نباید غفلت کرد.

باید مراقب نقشه دشمن بود. دشمن نقشه دارد؟ بله، دشمن نقشه دارد، برنامه دارد؛ نه فقط برای ما؛ آمریکا امروز در این منطقه برای عراق برنامه دارد، برای سوریه برنامه دارد، برای لبنان برنامه دارد، برای یمن برنامه دارد، برای

افغانستان برنامه دارد، برای کشورهای [حاشیه‌ی] خلیج فارس - که دوستان سنتی قدیمی‌اش هستند - برنامه دارد! برای اینها برنامه دارد. ما حالا به برنامه‌ای که درباره‌ی آنها دارند کاری نداریم، [اما] برنامه‌اش راجع به ما چیست؟ ما بی‌اطلاع نیستیم؛ بی‌اطلاع نیستیم. معلومات اطلاعاتی ما به ما می‌گوید که دولت آمریکا در آمریکا یک مجموعه‌ای را درست کرده است که اسم این مجموعه «گروه بحران» است؛ کارش چیست؟ مأموریت این گروه، بحران‌سازی در کشورها است، از جمله در کشور ما. مأموریت این گروه این است که بحران‌سازی کنند؛ بگردند نقاطی را که به نظر آنها موجب می‌شود در کشور بحران به وجود بیاید، پیدا کنند و این نقاط را تحریک کنند؛ این، مأموریت این گروه بحران آمریکا است. آنها نشسته‌اند فکر کرده‌اند، مطالعه کرده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران چند نقطه‌ی بحران‌ساز وجود دارد که باید آنها را تحریک کرد، آن نقاط را فعال کرد؛ یکی‌اش اختلافات قومی است، یکی‌اش تفاوت‌های مذهبی است، یکی‌اش مسئله‌ی جنسیت و مسئله‌ی زن است؛ اینها را باید در ایران تحریک کنند تا اینها بحران درست کند و از طریق بحران بتوانند به کشور عزیز ما ضربه وارد کنند؛ این برنامه‌ی آمریکا است، و «شتر در خواب بیند پنبه‌دانه».

تصریح کردند! تصریح کردند که می‌خواهند در ایران وضعیتی مثل وضعیت سوریه و یمن به وجود بیاورند؛ این را تصریح کردند. البته غلط کردند! نمی‌توانند؛ در این تردیدی نیست؛ لکن مشروط بر اینکه ما مراقب باشیم، حواسمان جمع باشد. اگر شما خواب بودید، یک بچه هم می‌تواند به شما ضربه بزند، چه برسد به یک دشمن مسلح و آماده‌ی کار. نباید دچار غفلت بشویم، نباید خواب بمانیم. باید مراقب باشیم راه را خطا نرویم، راه را اشتباه نرویم، اشتباه نکنیم. اگر مراقبت کردیم، دشمن را شناختیم، روش‌های دشمن را شناختیم، سعی کردیم در حرفمان، در منطقمان، در عملمان، در هر اقداممان کمک به نقشه‌ی دشمن نکنیم، دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. باید مراقب باشیم راه را خطا نرویم، اشتباه نکنیم، حق را با باطل عوضی نگیریم.

قرآن به ما معیار داده. قرآن می‌فرماید که «مُحَمَّدٌ رَسولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ»؛ کسانی که با او هستند. بحث ما سر این است که آیا ما با پیغمبر هستیم یا نیستیم - راه این است دیگر - علامت دارد: وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ؛ اگر شما دیدید این راهی که داریم می‌رویم، راهی است که کفار را خوشحال می‌کند، بدانید که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» نیستید، پس «مع رسول الله» نیستید، همراه پیغمبر نیستید؛ [اما] اگر دیدید نه، این راهی که دارید می‌روید، استکبار راه، دولت‌های قاهر ضد دین و

ضد اسلام را ناراحت می‌کند، عصبانی می‌کند، خب خوب است؛ این «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» است. این شد ملاک و معیار. حواسمان باید جمع باشد، بدانیم چه کار می‌کنیم، بدانیم چه می‌گوییم؛ حرفی که می‌زنیم در جهت نقشه‌ی دشمن نباشد، جدول دشمن را کامل نکند. گاهی ممکن است کسی غفلت بکند، یک حرکتی بکند، یک حرفی بزند که جدول نقشه‌ی دشمن را کامل کند؛ این خطرناک است. باید مراقبت کرد که این اتفاق نیفتد. اگر ما مراقب باشیم، دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند انجام بدهد، هیچ کاری نمی‌تواند بکند. در این چهل و چند سال، بارها و بارها همین دشمنان امروز و دشمنانی که قبلاً بودند و از بین رفتند، مثل شوروی سابق که اینها هم با ما بد بودند، هر کار توانستند کردند، ملت ایران بیدار بود، هشیار بود، خط مورد نظر امام را دنبال کرد. انگشت اشاره‌ی امام امروز برای ما مغتنم است؛ ببینید امام چه می‌گفت، چه می‌خواست، ما را به چه سمتی حرکت میداد. ملت این کار را کردند، [لذا] تا امروز موفق شدند؛ امروز هم همین جور است؛ امروز هم بایستی مراقبت کرد.

دشمن دو نقطه‌ی اساسی را هدف گرفته: یکی وحدت ملی، یکی امنیت ملی. وحدت ملی مهم است؛ نگذارید وحدت را به هم بزنند. وحدت یعنی چه؟ یعنی در مسائل اساسی کشور، آنجایی که پای منافع ملت در میان است، اختلافات مذهبی، اختلافات سیاسی، اختلافات گروهی، اختلافات قومی باید به کنار گذاشته شود، همه باید در کنار هم باشند؛ اقوام مختلف در کنار هم، مذاهب مختلف در کنار هم؛ آنجایی که یک جهت‌گیری مشخصی هست، این وحدت مهم است. و امنیت؛ آن کسانی که امنیت ملی را تهدید می‌کنند دشمن ملتند، برای دشمن کار می‌کنند؛ چه خودشان بفهمند، چه نفهمند. گاهی کاری می‌کنند، نمی‌فهمند چه کار میکنند! پس بنابراین، این دو نقطه مهم است. دشمن این دو نقطه را، یعنی وحدت را و امنیت را، آماج حمله‌ی خودش قرار داده که باید در مقابلش ایستاد.

بحمدالله ملت ما هم بیدار است. بنده به بیداری ملت عزیزمان خیلی خوش بین و امیدوار هستم، به خاطر تجربه‌ی چهل و چند ساله - نه به خاطر شعار و رجزخوانی و مانند اینها، که تجربه کرده‌ایم، دیده‌ایم - و به خاطر آنچه انسان در جوان‌های این کشور می‌بیند؛ این وفاداری‌ها، این محبت‌ها، این اخلاص‌هایی که نشان داده می‌شود، این حضورهای خوب [مثل] این اربعین که حالا من یک کلمه در باب اربعین هم عرض خواهم کرد؛ اینها نشان‌دهنده‌ی امید است. باید با همین قوه، با همین انگیزه، با همین ایمان پیش رفت. دشمن در دشمنی خودش و در نقشه‌کشی خودش جدی است، ما هم در مقابله‌ی با دشمن بشدت جدی هستیم.

دشمن دو نقطه‌ی اساسی را هدف گرفته: یکی وحدت ملی، یکی امنیت ملی. وحدت ملی مهم است؛ نگذارید وحدت را به هم بزنند. وحدت یعنی چه؟ یعنی در مسائل اساسی کشور، آنجایی که پای منافع ملت در میان است، اختلافات مذهبی، اختلافات سیاسی، اختلافات گروهی، اختلافات قومی باید به کنار گذاشته بشود، همه باید در کنار هم باشند.

